کوروش بزرگ (بانی امپراطوری ایران)

مون وهیز

دوهزار و هفتصد سال‏ پیش مردمی متمدن و نیرومند بنام ماد در شمال‏ غرب ایران زندگی می‏ کردند و دولت ایشان‏ با امپراطوری آشور کشمکش داشت و چند بار از آن شکت خورد تا آنکه کیاکسار پادشاه‏ نامی ماد لشگری برتر از آن آشوریان تشکیل‏ داده با شور حمله کرد و بکمک بابل وسیت شهر نینوا را گرفته ویران نمود و ارمنستان و قسمتی از آسیای صغیر را تا رود هالیس(قزل ایرماق) ضمیمه ماد ساخت‏[606 قبل از مسیح‏]

در همان ایام کوروش‏ سومین پادشاه هخامنشی از مرکز ایران برخاست و مردم شرق و جنوب را با پارسیان متحد نموده بنیاد دولتی قوی گذاشت‏ و بسال 549 ه ق.م با پادشاه ماد جنگید و پیروز شد و پارس و ماد دارای یک دولت شدند و ارمنستان و اناطولیه تا رود هالیس خراج‏گزار ایندولت گردید.پس کوروش بکمک سربازان‏ دلیر و سواران ماهر و تیراندازان بی‏مانند خود بکشور گشائی پرداخت.ایرانیان عموما کوهستانی و زحمتکش و جنگجو بودند.پیروزیهای پی‏درپی آنان را مغرور و کاهل نمیکرد. هرچند سربازان کشورهای مغلوب در صفوف ایشان جنگ میکردند،تکالیف عمده نبرد را خود بعهده میگرفتند.تمدن ایشان از مصر و آشور بالاتر بود

در اینموقع ناحیه غرب آسیای صغیر تا رود هالیس قلمرو پادشاه ثروتمند و مغرور لیدی بنام کرزوس بود و شهرهای یونانی«اونیان»و«دوریان»و«اولیان»واقع در کنار دریای اژه خراج‏گزار او بودند.کرزوس بطمع بسط خاک متوجه اینطرف رود هالیس شد و از روی حزم نزد غیبگوی معبد دلف مامور فرستاد و عاقبت کاریرا که در پیش داشت سئوال کرد. غیبگو جواب داد اگر کرزوس بپارسیان حمله کند امپراطوری بزرگی را منهدم خواهد ساخت‏ و باید با طوائف مقتدر یونان عقد قرارداد ببندد.پس با دولت مصر و بابل و اسپارت پیمان‏ بست و بکمک ایشان مستظهر گردید.

کوروش از نقشه او آگاه شد و بطرف او رفت.در پتریه لشگریان لیدی شکست‏ خوردند و متقین آنها نیز کمکی نکردند و کرزوس فرار کرد[546 ق.م‏]و کشور لیدی‏ ضمیمه ایران و هارد حکومت‏نشین ناحیه آسیای صغیر گردید.کرزوس بقیه عمر خود را در ایران بعزت بسر برد و دولتهای کوچک یونانی نیز خراج‏گزار شدند.

کوروش بسال 539 بقصد تسخیر بابل که استحکام برج و بارههایش مشهور آفاق‏ بود حرکت کرد و مجرای دجله را بر گردانید و بسد بخت النصر نزدیک گردید و سربازان بابل را در اوپیس از پا در آورد و وارد شهر متبرک بابل شد.پادشاه موسوم به نیونید تسلیم‏ گردید و بابلی‏ها و نیز عراق و فلسطین و شام و فنیقیه که مطیع بابل بودند با طاعت کوروش‏ در آمدند.پس چهل و دوهزار بنی اسرائیل را که بخت النصر باسارت آورده بود آزاد کرد و آنچه ظروف طلا و نقره از بیت المقدس آورده بودند بآنها ردوامر فرمود بروند و معابد خود را تعمیر کنند و بعبادت خود بپردازند.

سپس خود را بحق شاهنشاه و فرمانروای بروبحر خواند زیرا حدود قلمرو او از یک‏ طرف خلیج فارس و از طرف دیگر دریای خزر واژه و مدیترانه بود و تا آنزمان جهانیان آنهمه‏ قدرت را در اختیار یک نفر ندیده بودند و تاریخ نیز چنین امپراطوری وسیعی را نشان نمیداد.

سرانجام قصدگو شمالی مصر راکه با کرزوس طرح دوستی ریخته بود کرد و در این‏ زمان یکصد سال از آزادی مصر از اسارت بدست آشوریان میگذشت و یونانیان در احیاء و آبادانی و پیشرفت اقتصادی آن کمک بسیار کرده بودند و مصر دارای نیروی جنگی قابل توجهی‏ بود.اما کوروش در جنگی که بسال 529 در آسیای صغیر پیش آمد کشته شد و فرزند و جانشین او کمبوجیه فکر او را جامه عمل پوشاند و پایتخت مصر«تبس»را گرفت و خود پادشاه‏ مصر گردید.

کوروش از مردان نامی و پادشاهان بزرگ جهانست.سرداری توانا و باعزم و بلند همت‏ و مردی باتقوی و رؤف بود و کاری را که شروع میکرد بپایان میرسانید و در مواقع مشکل از عقل بیش از زور کار میگرفت.زیبائی مردانه و دلیری او در تمام عمر هویدا بود.با مردم‏ مغلوب مهربانی مینمود بحدیکه دوستدار او میشدند.کسانیکه از دور و نزدیک او را شناختند او را فوق‏العاده پنداشته بنام او افسانها پرداختند.